

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۵ فیروزی ۲۰۱۸

"باندارگ" قهرمان در فریبکاری و دروغ

یکشنبه- ۱۵ دلو ۱۳۹۶ - کابل: از همان نخستین ماه ها و سالهائی که دولت دست نشانده امریکا ساخته شد، برمبنای خصلت و سرشت دولت های پوشالی، همیشه در فساد، عدم امنیت، گستره جرایم خرد و بزرگ و ... در بین تمام کشور های جهان مقاوم اول را داشته است، تا جائی که دیده می شود این دولت در فریبکاری و دروغ نیز می تواند به حیث قهرمان قهرمانان شناخته شود، چنانچه:

۱- همه در جریان قرار داریم که بعد از پیدایش کشمکش بین "باندارگ" و "والی بلخ" و بعد از آن که گپ دندان کشیدن- بخوانید ایزار کشیدن- نیز از طرف جانبین مطرح گردید، تقریباً ذهنیت جم غفیری از مردم و رسانه ها را چگونگی روند آن برخورد به خود اختصاص می داد.

۲- هر روزی که از عمر آن کشمکش می گذشت در عمل مشاهده می شد که موجهای حمایت از "والی بلخ" گستردهی بیشتر یافته، با زنده شدن مجدد فوسیل های جهادی و حتا اظهار آمادگی برای یک تقابل نظامی، "باندارگ" که بدون آن هم آبرویی بین مردم نداشت، نه تنها آبروی نداشته خودشان را بیشتر زیر سوال بردند، بلکه "روغنی" هایشان را نیز برسر زبانها انداخته، از آن هم بد تر پر های جیره امریکائی از قماش "خلیزاد" را نیز بونده بگیل ساختند.

۳- "باندارگ" جهت رهائی از این مشکلی که خودش آفریده و خود را ریشخند خاص و عام ساخته بود، نیاز بدان داشت تا اذهان مردم و نوک قلم و دوربین رسانه ها را به سمت دیگری معطوف بدارد، اینجاست که به کمک سفارت امریکا قضیه هتل انترکانتیننتال به وجود می آید. این قضیه هر چند برای یکی دوروز توانست اذهان را از توجه به اختلافات ارگ و بلخ به سمت هتل برگرداند، مگر با گذشت سه چهار روز و اطلاع مردم از ماهیت شرکت امنیتی، به جای کمک طناب دیگری بر گردن نحیف دولت دست نشانده گردید.

۴- "باندارگ" که نیاز داشت از یک جانب توجهات را از بلخ به سمت دیگری بکشاند و از طرف دیگر نمی خواست خود را با رئیس دفتر "عبدالله" طرف بسازد، به کمک "مهمانان جناب رئیس"، حادثه چهارراهی صدارت را خلق نمود. با خلق این حادثه هر چند چند روز اول شوک ناشی از حادثه تمام قضایا را به عقب رانده، تنها نفرت از طالب اذهان و رسانه ها را به خود معطوف داشت، مگر با گذشت چند روز، با به میان آمدن ضعف مقامات امنیتی و شعار استعفای آنها از یک سو و جلوگیری از تزئید نفرت علیه طالب که "برادران تنی و عقیدتی" زمامداران فعلی افغانستان اند، دولت

دست نشانده توجه بیشتر بدان قضیه را به ضرر خود ارزیابی نموده، می بایست جهت فریب مردم راه دیگری را جست و جو می کرد.

۵- اعزام دو تن از مقامات امنیتی به پاکستان و توجهات را بدان سمت جلب نمودن، آخرین چالی بود که دولت دست نشانده با استفاده از آن، نه تنها قضیه بلخ را در مسایل خبری و اذهان مردم به یک موضوع فراموش شده تبدیل نمود، بلکه ضعف های دولت خود را نیز تقریباً پوشانده، به اتکای سروصدای جدید ترمپ در مقابل پاکستان، شروع کردند به تبلیغ این که آنها رستم دستان در امور سیاست بین المللی اند.

۶- تمام این فراز و نشیب ها، تا جایی که دیده می شود، نه تنها قضیه بلخ و ارگ را از لحاظ خبری کاملاً به عقب برده است، بلکه این فرصت را به ارگ فراهم نموده تا با بذل پول بیشتر موازنه بین خود و بلخ را نیز در صورت امکان به نفع خود تغییر بدهد.

اینجاست که باید اذعان داشت که "باندارگ" در فریبکاری و دروغ نیز قهرمان قهرمانان می باشد و اما این که طرف مقابل که در فریبکاری دست کمی از او ندارد، چه برنامه ای برای آینده دارد و چه خواهد کرد:

دیده شود چه می شود!!